

آقای مطهری شعار «دوربین من اسلحه من» متعلق به چه جریانی است؟

اخیراً علی مطهری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس درباره ویدئویی که از یکی از بازیگران سینما و تلویزیون ایران بدون حجاب اسلامی در کشوری بیگانه در فضای مجازی دست به دست می‌شود مطلبی نوشته‌اند که به دلیل ابهام در طرح مسئله و القای تلویحی یک اتهام علیه نظام اسلامی نیاز به توضیح دارد و ای کاش ایشان این اندازه سهل‌انگارانه و مبهم دست به قلم نمی‌بردند. نماینده محترم مردم تهران ظاهراً یک مفروضه داشته‌اند و بر اساس آن اقدام به نوشتن کرده‌اند اما احتمالاً متوجه نبوده‌اند که طرح یک بعد از مسئله و رها کردن ابعاد دیگر آن می‌تواند در آذهان عمومی جامعه علیه نظام اسلامی ایجاد شبهه نماید. یادداشت‌اشان این ذهنیت را ایجاد می‌کند که افرادی از داخل حکومت به شکل طراحی شده اقدام به تجسس رفتار سلبریتی‌ها درباره حجاب در خارج از کشور می‌کنند اما واضح است که برای هیچ کدام از دستگاه‌های اطلاعاتی داخل نظام چنین مأموریتی تعریف نشده است.

علی مطهری می‌نویسد: «درباره قضیه خانم ستاره اسکندری و بازیگرانی مانند ایشان که به خارج از کشور سفر می‌کنند باید یک اصل را ملاک قضاوت قرار داد و آن این است: اگر یک بازیگر زن در یک برنامه رسمی بین‌المللی در خارج از کشور به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران شرکت می‌کند باید پوشش اسلامی را به نحو درست رعایت کند اما اگر برای یک سفر شخصی یا خانوادگی به خارج از کشور رفته است مأمور نیستیم تجسس کنیم که آیا پوشش اسلامی را رعایت می‌کند یا نمی‌کند و اگر رعایت نکرد او را به ریاکاری و نفاق متهم کنیم زیرا منطق او این است که در داخل ایران قانون را رعایت می‌کنم و در خارج به هر دلیلی از جمله سهل‌انگاری یا هرمنگ جماعت شدن رعایت نمی‌کنم، گرچه می‌دانم که درست و صلاح و حکم عقل و شرع آن است که در همه سر رعایت کنیم و رفتار یگانه داشته باشیم. اگر بازیگر زن یا مرد در یک سفر شخصی خارجي شعائر اسلامی را رعایت نکرد نباید به اشاعه آن بپردازیم، هرچند تذکر لازم است اما اگر به عنوان نماینده ایران در یک برنامه رسمی بین‌المللی این شعائر را زیر پا گذاشت باید مورد مواخذه قرار گیرد.»

به طور عادی برای خواننده یادداشت علی مطهری این تلقی ایجاد می‌شود که افراد یا نهادهی از داخل نظام اسلامی مسئول تجسس درباره حجاب و فیلمبرداری از سلبریتی‌ها در خارج از ایران هستند اما ای کاش ایشان در یادداشت خود به این نکته اشاره می‌کردند که اولاً از درون نظام هنوز هیچ شخص دارای مسئولیت و حتی فرد خاصی که منتسب به حاکمیت باشد باز یگر نامبرده را متهم به نفاق و دورویی یا چیزی شبیه این نکرده است و صرفاً در هر دو مورد پیش آمده یعنی کشف حجاب یک مجری چادری در کشور سوئیس و نیز مورد اخیر بیش و بیش از همه چهره‌های ضدانقلاب چون مسیح علیزاده علم‌آنها رزی و فحاشی را بلند کرده‌اند. پس همین مسئله اثبات می‌کند تجسس‌کنندگان و آنها که فیلمبرداری می‌کنند از میان عوامل ضدانقلاب هستند. کافی بود نماینده مردم تهران صرفاً به شعار و هشتگ معروف فردی چون مسیح علیزاده در فضای مجازی «دوربین من اسلحه من» «قت می‌کردند تا یادداشت بچته تری نبویسند و اگر دقت می‌کردند متوجه می‌شدند افرادی که تشویق و تهییج برای فیلمبرداری تجسسگرایانه از افراد در معابر عمومی می‌کنند قیفاً در میان کدام جریان قرار دارند. وقتی مسیح علیزاده در داخل ایران بیاد نظام‌هرج و مرج‌طلب خود را تشویق به فیلمبرداری و تدوین و قطع و وصله‌سازی خیابانی سازمان‌یافته کرده و اقدام به انتشار آن در فضای مجازی می‌کند چرا همین خوب را برای یاد نظام خود در خارج از کشور تجویز نکنند؟ بنابراین رویه بود قلم آقای علی مطهری هوشمندانه‌تر به کاغذ می‌نشست تا به جای ضدانقلاب در این ماجرا نظام اسلامی متهم نشود. هر چند سؤالی که از ایشان به عنوان یک عضو کمیسیون فرهنگی مجلس و همکاران سیاسی‌شان که با لیبست تدبیر و امید به مجلس راه یافته‌اند مطرح است این است که تا به حال برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب چه اقدامات عملی مؤثری انجام گرفته است.

بیش از ۲هزار دقیقه پوینامایی در برنامه‌های تابستانی تلویزیون

مرکز پوینامایی صیبا برنامه‌های تولیدی خود را برای نمایش تلویزیونی در فصل تابستان اعلام کرد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، امسال نسبت به سال‌های گذشته، میزان تولید انیمیشن با موضوعات جذاب برای مخاطبان خردسال، کودک و نوجوان افزایش قابل توجهی داشته است. بر این اساس، ۱۴۰ مجموعه پوینامایی به مدت ۴۸۰ هزار و ۴ دقیقه برای پخش از شبکه‌های مختلف سینمایی رسانه ملی در فصل تابستان تهیه و آماده شده است. انیمیشن‌های «شکرستان ۴»، «بوز ایرانی»، «ترافیک از این مدلش»، «گولوبولا ۲»، «پدر»، «کی میگه ریاضی سخته»، «هالایاما ۲»، «پند پارسی»، «مهمی نامه»، «مهرات‌ها سر زندگی ۲»، «هیچسکا ۳»، «ماهی بادکنکی ۲»، «نقاش کوچولو۳» و «کوچولوها کنجکاو» از جمله برنامه‌های تولیدی مرکز پوینامایی صیبا برای فصل تابستان است که در جدول پخش شبکه‌های سیما قرار خواهد گرفت.

تندیس حافظ علی معلم به «گلاب آدینه» اهدا می‌شود

امید معلم درباره برگزاری نوزدهمین دوره جشن حافظ که تیرماه امسال برگزار خواهد شد، گفت: امسال جشن حافظ ۲۰ تیرماه برگزار می‌شود و محل برگزاری در چند روز آینده اعلام خواهد شد.

وی ادامه داد: طبق سال‌های گذشته در دو بخش سینما و تلویزیون جوایزی اهدا خواهد شد. زمان بررسی و داوری آثار از نوروز ۹۷ تا نوروز ۹۸ است. در سه بخش مهم همیشه تعداد نامزدها بیشتر بوده است، به عنوان مثال، در رشته بازیگری تعداد نامزدها بیشتر است زیرا در رشته بازیگران زن و مرد بخش مکمل اصلی در یک رشته بررسی می‌شود و این طبق تعریفی است که بنیانگذار این جشن علی معلم داشت.

معلم همچنین گفت: در رشته بازیگری زن و مرد معمولاً تعداد نامزدها به طور میانگین بین ۱۰ تا ۱۲ عدد است و در هر رشته دو جایزه اهدا می‌شود. در بخش دستاورد فنی نیز تعداد نامزدها بین ۱۰ تا ۱۲ است زیرا این بخش را به شکل تفکیک شده در جشن حافظ بررسی نمی‌کنیم و نامزد چهره‌پردازی و دستاورد فنی در یک پکیج به عنوان دستاورد فنی و هنری بررسی می‌شود. در بخش بهترین فیلم نیز همیشه میانگین هشت تا ۱۰ نامزد معرفی می‌کنیم که در نهایت یک فیلم انتخاب می‌شود.

امید معلم در ادامه نکات جدیدی را درباره جشن حافظ اعلام کرد: در سال گذشته اعلام کردیم که تندیس حافظ علی معلم به فردی تعلقی می‌گیرد که برای او بزرگداشت می‌گیریم و در حقیقت جایزه یک عمر دستاورد هنری را به او اهدا می‌کنیم اما امسال قرار است، «گلاب آدینه» تجلیل شود و به او تندیس ویژه علی معلم را اهدا کنیم.



روزنامه جوان | شماره ۵۶۸۳ | شنبه ۴ تیر ۱۳۹۸ | ۲۱ شوال ۱۴۴۰ | اذان ظهر: ۱۳:۰۷ | غروب آفتاب: ۲۰:۰۴ | ۲۰ مغرب: ۲۰:۵۵ | ۲۰ شب‌شروع: ۲۰:۰۱ | اذان صبح: ۳:۰۳ | طلوع آفتاب: ۵:۰۵ |

گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان و نویسنده سریال «گاندو» جیسون رضائیان را در «گاندو» مبادله می‌کنیم



■ **محمدصادق عابدینی**
سریال «گاندو» به دلیل دست گذاشتن روی موضوعات حساسی چون جاسوسی، فساد مالی و پرونده‌های قضایی آقا زاده‌ها یک استثنا در سریال‌های چند سال اخیر تلویزیون به‌شمار می‌رود؛ مجموعه‌ای به‌کارگردانی «جواد افشار» که در ذهن بینندگان تلویزیون با سریال‌هایی چون «کی‌می» و «پدر» شناخته می‌شود. افشار و ارش قادری نویسنده فیلمنامه سریال گاندو، در گفت و گو با «جوان» از روند ساخت و حاشیه‌سازی‌ها برای این سریال می‌گویند.

■ ■ ■

استقبال مردم و مسئولان از سریال «گاندو» را چطور ارزیابی می‌کنید؟
افشار: نیازی در مخاطبان برای پرداخت به سوزهای جدید در تلویزیون به وجود آمده بود و باعث شد تا «گاندو» بازتاب‌های خیلی خوبی از بیرون و به خصوص فضای رسانه‌ای بگیرد. علاوه بر مخاطب عام، خوشبختانه از سوی خواص و جامعه‌نخبه جامعه نیز بازخوردها خوب بود و حتی باعث شد بخشی از مدیران نیز به آن واکنش مثبت داشته باشند.

به نظر می‌رسد گاندو پر مخاطب‌ترین سریال شده است!
افشار: سریال «گاندو» مخاطبانی را که از تلویزیون دور شده بودند، دوباره جذب تلویزیون کرد، و این اتفاق به دلیل این بود که تلویزیون باصافقت جلو آمد و نشان داد می‌تواند شفاف‌سازی کند و این نیازی برای تلویزیون است زیرا در دنیای امروز هیچ مسئله‌ای از نگاه مردم دور نمی‌ماند.

شخصیت محوری سریال جیسون رضائیان است. داستان این جاسوس تا کجا روایت می‌شود؟
افشار: گاندو تا مرحله تبادل جیسون رضائیان پرونده امنیتی وی را دنبال می‌کند.

پیام گاندو برای بینندگان داخلی و خارجی این سریال چیست؟
افشار: این سریال هشدارای بود برای بیرون از مرزهای ایران و آن این است که مأموران امنیتی ایران و سربازان گمنام امام زمان (عج) نشن دانگ حواس‌شان به اتفاقات است و همه چیز را تحت نظر دارند.

«گاندو» تلنگری است به مدیران و همه کسانی که دسترسی بر قدرت دارند و از این طریق به بیت‌المال دسترسی دارند. «گاندو» هشدار می‌دهد که مدیران هوشیار باشند و سعی کنند از مسائلی که باعث اودگی و آلانیدی کاری آنها می‌شود دور شوند و در حفاظت و صیانت از بیت‌المال کوتاهی نکنند و حتی خیال ناخنک زدن به سفره مردم را از ذهنشان بیرون کنند. «گاندو» باعث شد تا بعد از مدت‌ها بینندگان تلویزیون سریالی امنیتی ببینند، چرا اینقدر جای سریال‌هایی با این محوریت در تلویزیون خالی بود؟

قادری: نمی‌شود در جامعه یک ژانر خاص را حذف کرد، چون مخاطبیش به دنبال آن می‌رود و حتی از محصولات دیگر کشورها برای تماشا انتخاب می‌کند. این موضوع به علایق مردم باز می‌گردد و بالاخره آنچه دوست دارند را پیدا می‌کنند و چه بهتر که اگر قرار است کاری تولید شود در داخل خود کشور و بر اساس موضوعات سازگار با جامعه ساخته شود. ما در مورد مسئله امنیت سال‌هاست صحبت می‌کنیم و همه درباره امنیت بالای کشور و اقتدار امنیتی نظام می‌دانیم اما چیزی درباره آن نساخته‌ایم و این خلأ همیشه وجود داشته است.

در ابتدای سریال عنوان شده که داستان بر اساس داستان واقعی است، اما بیننده‌های «گاندو» با
قادری: نمی‌شود در جامعه یک ژانر خاص را حذف کرد، چون مخاطبیش به دنبال آن می‌رود و حتی از محصولات دیگر کشورها برای تماشا انتخاب می‌کند. این موضوع به علایق مردم باز می‌گردد و بالاخره آنچه دوست دارند را پیدا می‌کنند و چه بهتر که اگر قرار است کاری تولید شود در داخل خود کشور و بر اساس موضوعات سازگار با جامعه ساخته شود. ما در مورد مسئله امنیت سال‌هاست صحبت می‌کنیم و همه درباره امنیت بالای کشور و اقتدار امنیتی نظام می‌دانیم اما چیزی درباره آن نساخته‌ایم و این خلأ همیشه وجود داشته است.

۱۲ حکمت
حکمت ۲۱۷
در دگرگونی روزگار، گوهر شخصیت مردان شناخته می‌شود.

گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان و نویسنده سریال «گاندو»

جیسون رضائیان را در «گاندو» مبادله می‌کنیم

فکر می‌کنم برای اولین بار است که موضوع «پرستو» در یک سریال ایرانی مطرح می‌شود.

قادری: موضوع پرستو به دلیل مسائل اخلاقی هنوز هم جزو تابوهاست و بسیاری از سرویس‌های امنیتی از جمله سرویس‌های امنیتی ایرانی به خاطر پایبندی به اصول اخلاقی سراغ آن نمی‌روند اما یکی از مسئولان به من گفت از یک مقام امنیتی خارجی پرسیده است که آیا شما هنوز هم از پرستو استفاده می‌کنید و آن فسرده خارجی پاسخ داده که تا وقتی گزینه جنسی در بشر وجود داشته باشد، ادامه می‌دهیم.

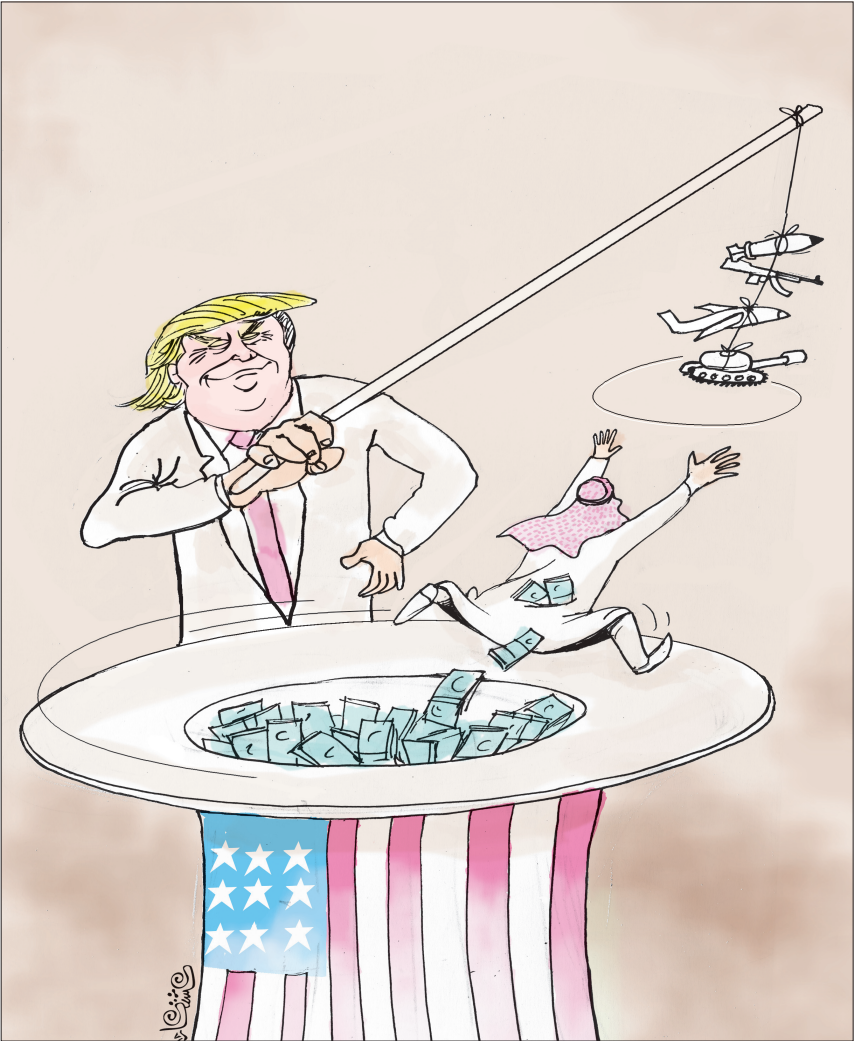
اسم سریال و حتی بخش مهمی از موضوع آن به پرونده معروف ایرانی مطرح می‌شود.
قادری: محیط زیست مدنظر من نبود، درباره آن NGO هم که در قالب حمایت از محیط زیست فعالیت‌هایی انجام می‌داد به حد کافی اطلاع‌رسانی شده است. من شخصاً طرفدار انجمن‌های مردم‌نهاد حافظ محیط

زیست هستم. طرحی هم درباره آن پرونده داشتم که برای نگارش گاندو آن را حذف کردم ولی علت انتخاب نام گاندو این بود که این نام ایرانی است و مربوط به تمساحی است که متعلق به ایران است. از طرفی هم گاندو یک شکارچی ویژه است و به صبر و حوصله در شکار معروف است و ممکن است مدت‌ها منظر شکار بماند، اما وقتی شکار را گرفت امکان ندارد آن را رها کند.

صحبت‌هایی درباره سانسور و ممیزی سریال «گاندو» مطرح می‌شود، چقدر باین موارد برخورد کرده‌اید؟
قادری: در زمان نگارش که هیچ مشکلی وجود نداشت، اما صحبت‌ها بیشتر ناشی از تاب و تردید برای همین انتخاب به وجود می‌آورد. حتی مسائلی را مطرح می‌کنند که در قعه فیلمنامه نیست. من تیم سازنده سریال هم هیچ گزارش سیاسی دهنفندی در ساخت «گاندو» نداشته‌ایم. تمام تلاش ما این بوده است که کاری در راستای تقویت غرور ملی و اقدار امنیتی بسازیم، حتی نشان داده‌ایم که اگر فرزند مسئولی خطایی کرد نباید آن را به نام پدرش نوشت و تاوان اشتباه فرزند را نباید از پدر گرفت.

همین موضوع یکی از موارد انتقادی به «گاندو» است، مردم منتقدان در بسیاری از پرونده‌های آقا زاده‌ها پای پدرشان هم وسط است اما «گاندو» دارد از مسئولان دفاع می‌کند!
قادری: ما که بزرگ‌تر از نوع نبی نداشته‌ایم که پسرش مسیر اشتباهی را رفت، حتی در دوره معاصر هم در برزیل فرزند پله، یکی از بزرگ‌ترین بزه‌کاران آن کشور است، اما هنوز پله احترام خودش را دارد. من این موضوع را فراتر از جناح‌های سیاسی دیدم.

البته حضرت نوح از رات پدرش برای فساد استفاده نمی‌کرد و این به نظر مقایسه مناسبی نمی‌آید. انتقادهاز سریال «گاندو» را دیده‌اید؟
قادری: بله خیلی زیاد، یکسری آدم در جهان وجود دارند که منتقدان تذکسی کاری انجام دهد و با آن مخالفت کنند. من نمی‌گویم کارم بی‌عیب و نقص است، اما باید نقدها عادلانه باشد. شعری از مهدی اخوان ثالث را همیشه زمزمه می‌کنم که می‌گوید: «پیشگامان خطر گاهی خطانیز کنند». کمتر کسی درباره مسائل امنیتی کار کرده است و من حتی می‌گویم اگر در ۳۰ قسمت گاندو، هر قسمت دو خطا داشته باشیم، می‌شود ۶۰ خطا اما ریل گذاری انجام داده‌ام که نفر بعدی اگر خواست کار کند این خطاها به ۴۰ تا برسد و کارهای بعدی هم خطاهای کمتری داشته باشند. نهادهایی هم که می‌خواستند از سریال‌های امنیتی حمایت کنند یا سفارش ساخت بدهند هم ترسشان بریزد و بومد و ممکن است خطا هم کرده باشم ولی از بازخوردها خیلی خوشحالم، من و عوامل سریال هر روز کامنت‌های زیادی از سراسر جهان داریم. ایرانی‌ها از اروپا، آمریکا و حتی آمریکای جنوبی کامنت می‌گذارند و می‌پویسند سریال را دنبال و با دیدن آن احساس غرور می‌کنند.



نقدی بر کتاب «شب‌های بی‌ستاره»

دخترانه‌ای در میان یک جنگ



■ **طاهره احمدنژاد**

دختران جنسی ظریف و روحی احساساتی دارند؛ جنس گل‌هایی که برای همیشه توجه می‌خواهند تا مبادا روی پرمزدگی به خود ببینند. شاید اگر لطافت و روحیه مهربانی زنان نبود، دنیا رنگی نداشت و خیلی زخم‌ت جلوه می‌کرد. گاهی این احساسات بلند و عمیق زنانه درگیر فراز و نشیب‌های زندگی شده و نه تنها باعث شکست او بلکه باعث بالندگی‌اش می‌شوند. رمان نوجوان «شب‌های بی‌ستاره» تلاطم‌های دخترتی به نام ستاره است که دوران حساس نوجوانی‌اش با زمانه تنش‌زای جنگ ایران و عراق گره خورده است.

داستان از زبان ستاره روایت می‌شود و بر است از حال و هوای دخترتی که احساس می‌کند هیچ‌کس در دور و بر او نیست که دوستش داشته باشد. از پدر و مادرش گرفته تا دو خواهرش سمانه و سارا. ستاره با تمام این احساسات باز هم دخترتی است پرشور و نشاط که با جسارت‌هایش داستان را پر کشش می‌کند.

خانواده ستاره در قم زندگی می‌کنند، پدرش راننده کامیون است و با اینکه سه دختر دارد، در آرزوی داشتن پسر است و مادرش در این روزها باردار است. سمانه که دختر بزرگ خانواده است، نامزد ناصر شوفاirst است که به جبهه رفته است. سمانه دخترتی آرام و مهربان است که اغلب کارهای خانه را به جایی مادرش انجام می‌دهد و البته رقیبی برای ستاره است که دائم با او مقایسه‌اش کنند. سارا چهره آخر خانواده است و مبتلا به بیماری زال است و در دنیای حسرت‌های کودکانه خود سیر می‌کند. ستاره دلش می‌خواهد مثل تمام نوجوان‌ها به او هم اهمیت داده شود، حرف‌هایش را مهم بشمارند و به اصطلاح او را

بزند یا حرف‌هایی بزند که حتی اواعاش را بدتر و خانواده‌اش را از دست خودش ناراحت کند.

در نزدیکی خانه‌شان انبار جهاد است که کمک‌های مردمی جمع و دسته‌بندی می‌شود. یکی از جاهایی که ستاره به عنوان پناه‌گاه از آن استفاده می‌کند همین انبار جهاد است که با خود

داستان‌هایی را هم رقم می‌زند.

در میانه‌های داستان ستاره درگیر دوست‌داشتنی می‌شود که مثل تمام احساسات نوجوانی ناگهانی و چه بسازودگذر است.

مرضیه نفری واقعاً هنرمندانه توانسته است تمام احساسات و حسرت‌های یک دختر را بیان کند، طوری که اگر مخاطب، خود دختر باشد خیلی با ستاره داستان همراه و همدل می‌شود.

خاتمه فیهمی که مسئول انبار جهاد است وعه نگار دو شخصیتی هستند که ستاره آنها را بسیار دوست دارد، شخصیت‌هایی که



نایه‌کاری است برای پنهان کردن درد ظاهری بیمار و نه درمان و جراحی واقعی و مورد احتیاج برای رفع بیماری و هر قرارداد صلح ادعایی آنان به واقع تنها و تنها، آتش‌بس موقتی است بین جنگ قبلی و جنگ بدتر بعدی و نه صلحی پایدار و عدالت‌محور. درست است که به دلیل عدم علت اصلی نزاع، هیچ کار کرد و دستاورد به مفهوم صلح واقعی تا کنون نداشته‌اند. در ادامه حبیب احمدزاده به این موضوع اشاره کرد که ما ایرانیان شاید تنها ملتی در جهان باشیم که این تعریف دروغین را قبول نداریم و به همین دلیل نامه شخص ترامپ را رهبری کشورمان با شجاعت نمی‌پذیرند تا در واقع این تعریف دروغین را صحه نگذارند و باید گفت که به واقع شوخی تمسخر آمیزتر از این در جهان وجود ندارد که ترامپ با داشتن ۲هزار بمب اتم، له‌های او دست نخست وزیر تنها کشور مورد تهاجم اتمی توسط خودش بدهد تا به کشور ما که اصل داشتن بمب اتم را حرام و ممنوع می‌داند برساند که شما حق داشتن بمب اتم را ندارید.